

Autumn and Winter 2024, 1 (2), 138-149.

Analysis of the " Al- Hadi llya-Haq " Uprising in Yemen Based on Charles Tilly's Mobilization Theory

Mohammad Gerami khoramabad¹  

1. Corresponding Author, PhD student in History, Faculty of Literature and Humanities, Tarbiat Modares University, TEHRAN, IRAN. E-mail: mohammadgk110@gmail.com

Article Info

Article type:

Research

Article history:

Received: 6 August 2024

Accepted: 21 October 2024

Published online: 3 February 2025

Keywords:

Mobilization, Collective action, Uprising, Al- Hadi llya-Haq, Charles Tilly, Yemen.

ABSTRACT

Yemen is of particular importance due to its special geographical location, its proximity to the Hijaz, the presence of tribes that were influential in all the events of early Islam, and the circle of various Islamic ideas. Among the most important historical points in Yemen that had a direct impact on its future developments is the uprising of Yahya ibn al-Hussein al-Hadi to al-Haqq, the founder of the Zaydi government in Yemen. This uprising and movement on the part of al-Hadi led to the formation of a thousand-year-old government in Yemen, from which the Zaydi Shiite thought was promoted and perpetuated in the Islamic world. The present article seeks to answer the question of how the characteristics and actions of al-Hadi's uprising were able to achieve success? To answer this question, Charles Tilly's mobilization theory has been used to obtain a detailed analysis of this issue. The prevailing hypotheses are that al-Hadi and his followers used various types and mobilized resources to take action against their enemies and opponents to achieve the ideals of the uprising.

Cite this article: Gerami khoramabad, Mohammad, Initial. (2024). Analysis of the " Al- Hadi llya-Haq" Uprising in Yemen Based on Charles Tilly's Mobilization Theory. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 1 (2), 138-149.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2057740.1039>

سال اول، شماره اول (پیاپی ۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، ۱۳۸-۱۴۹.

تحلیل قیام «الهادی الی الحق» در یمن بر اساس نظریه بسیج چارلز تیلی

محمد گرامی خرم‌آباد^۱

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: mohammadgk110@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت:</p> <p>۱۴۰۳/۰۵/۱۶</p> <p>پذیرش نهایی:</p> <p>۱۴۰۳/۰۷/۳۰</p> <p>تاریخ انتشار:</p> <p>۱۴۰۳/۱۱/۱۵</p>	<p>یمن به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، همسایگی با حجاز، وجود قبایل تاثیر گذار در تمامی رخدادهای صدر اسلام و محفل اندیشه‌های مختلف اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. از جمله مهم‌ترین نقاط تاریخی یمن که در تحولات آینده آن اثر مستقیم نهاد، قیام یحیی بن الحسین الهادی الی الحق موسس حکومت زیدیان در یمن است. این قیام و حرکت از جانب الهادی سبب گشت تا حکومتی هزار ساله در یمن شکل گیرد که از جانب آن اندیشه شیعی زیدی در عالم اسلام ترویج و ماندگاری داشته‌باشد. مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش برآمده است که ویژگی‌ها و کنش‌های قیام الهادی چگونه توانست به موفقیت برسد؟ برای پاسخ به این پرسش از نظریه بسیج چارلز تیلی استفاده شده تا تحلیلی دقیق در این مسئله به دست آید. فرضیه‌های مطرحی که وجود دارد، استفاده الهادی و یارانش از گونه‌های مختلف و بسیج منابع برای انجام کنش در برابر دشمنان و مخالفانشان برای دستیابی به آرمان‌های قیام است.</p>

کلیدواژه‌ها:

بسیج، کنش جمعی، قیام، چارلز تیلی، الهادی الی الحق، یمن.

استناد: گرامی خرم‌آباد، محمد (۱۴۰۳). تحلیل قیام «الهادی الی الحق» در یمن بر اساس نظریه بسیج چارلز تیلی، پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال اول، شماره ۱ (۲)، ۱۳۸-۱۴۹.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2057740.1039>

۱. مقدمه

یمن در زمره سرزمین‌های اسلامی است که خورشید اسلام در آن با عظمت می‌درخشد. اگرچه موقعیت جغرافیایی اعم از ژئواستراتژیک، ژئوآکونومیک و پیوست سرزمینی آن با جزیره العرب، تاریخ آن را به سرزمین حجاز نزدیک کرده است، اما ظرفیت‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی یمن موجب شده تا این منطقه که به سرزمین سعید و خوشبخت معروف است حتی در عصر اسلامی، ممتاز از دیگر مناطق جزیره العرب باشد.

یکی از مهم‌ترین اعصار تاریخ یمن در قرن سوم هجری پدید آمد؛ آنجایی که اندیشه‌های گوناگون اسلامی از فضای نسبتاً باز فراهم شده در آن سرزمین استفاده کرده و به تبلیغ آراء و عقاید خویش پرداختند و توانستند مردمی را با خود همراه سازند. الهادی الی الحق یحیی بن الحسین الرسی از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) یکی از رهبرانی بود که با دعوت طایفه بنی‌خولان صعده به یمن آمد و شروع به تبلیغ اندیشه‌های شیعی خود کرد. او با گردآمدن مردم به دورش، رهبری قیام زیدیان یمن را بر عهده گرفت. الهادی الی الحق حکومتی بنا نهاد که در طول تاریخ یمن نظیر و ماندنی نداشت و بیش از هزار سال به طول انجامید.

به همین دلیل ضرورت پرداختن و مطالعه پیرامون این شخصیت و فعالیت‌های وی در قالب قیام و بعدها حکومت زیدی در یمن برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ یمن روشن است. ما در این گفتار سعی کرده‌ایم با استفاده از مدل جامعه‌شناسی بسیج منابع که جامعه‌شناس و مورخ نامدار آمریکایی چارلز تیلی در آثار خویش ارائه کرده است، این قیام و فعالیت‌های الهادی را بررسی و تحلیلی دوباره کنیم تا از این رهگذر درک صحیح از جامعه یمنی قرن سوم هجری و معاصر قیام الهادی داشته باشیم و این پدیده تاریخی را آنچنان که باید بشناسیم.

۲. چارچوب نظری

در این مقاله از الگوی بسیج تیلی برای توضیح فرآیند بسیج در قیام الهادی الی الحق استفاده می‌شود. این مدل متشکل از دو بخش است:

۲-۱. مدل نخست بسیج

بخش نخست شامل سه متغیر منافع، سازمان و بسیج است.

۲-۱-۱. منافع

امتیازها و دستاوردهای مشترکی است که در نتیجه کنش متقابل یک جمعیت با جمعیت دیگر، عاید اعضای آن جمعیت می‌شود.

۲-۱-۲. سازمان

برای به وجود آمدن سازمان فعال سیاسی، باید اعضای سازمان یا بخشی از آن‌ها به منافع سازمان آگاهی یابند و این آگاهی شبکه‌ای از روابط را ایجاد کند. هر چه آگاهی و تعهد اعضای یک گروه به منافع جمعی گروه بیشتر باشد، احتمال به وجود آمدن سازمان بیشتر خواهد شد. اندازه و کیفیت سازمان تعیین‌کننده اصلی توان بسیج آن سازمان است. هر چه سازماندهی با کیفیت‌تر و سازمان به لحاظ جغرافیایی سطح بزرگتری را شامل شود، توان بسیج آن بیشتر خواهد بود (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۳۴۲).

۲-۱-۳. بسیج منابع

کوشش برای دستیابی به هر نوع منبعی است که گروه مدعی برای پیشبرد عمل جمعی خود ضروری بداند که خود انواعی دارد. منابع اجبارآمیز مانند سلاح، نیروی مسلح و فناوری‌های کنترل‌کننده؛ این منابع ابزار تنبیه دیگر انسان‌ها و محدود ساختن بدیل‌های قابل دسترس برای آن‌ها است. منابع فایده‌مند مانند کالا، خدمات اطلاع‌رسانی و پول منابعی هستند که انسان دستیابی به آن‌ها را حق خود می‌داند؛ منابع هنجاری مانند وفاداری و تکالیف؛ یعنی تعهدات

اعضایی از جمعیت در قبال دیگر اعضای گروه، خود گروه و آرمان‌های آن (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵؛ تیلور، ۱۳۸۸: ۱۲۴). بسیج منابع به این معنا است که سازمان‌ها و گروه‌ها تلاش می‌کنند منابع فوق را هر چه بیشتر در اختیار خود قرار دهند. انواع بسیج از نظر تیلی عبارت‌اند از بسیج تدافعی که تهدیدی از خارج، اعضای یک گروه را وادار می‌کند که منابع خود را برای جنگ با دشمن گرد هم آورند تا منافع خود را حفظ نمایند. نمونه‌های این نوع بسیج شورش‌های مربوط به غذا، شورش‌های مالیاتی، تهاجم به کشتزارها و مقاومت در برابر لوایح قانونی است. بسیج تهاجمی که سازمان در واکنش به فرصت‌های پیش آمده به جمع‌آوری منابع می‌پردازد تا به منافع جدیدی دست یابد. نمونه بسیج تهاجمی، موفقیت موسسه کاتولیک توکانل در گسترش اجباری حقوق کاتولیک‌های انگلیسی و ایرلندی است. بسیج تدارکاتی که سازمان با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره‌سازی منابع می‌پردازد. نمونه این نوع بسیج، اتحادیه‌های کارگری در قرن نوزدهم در اروپا بودند که برای ایام سختی (از قبیل بیکاری، درگذشت نان آور خانه و یا از میان رفتن دستمزد طی دوره اعتصاب) صندوق پولی را تدارک دیده بودند (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۳).

۲-۲. مدل دوم بسیج

متغیرهای بخش نخست از مدل بسیج تیلی که شرح آن آمد، به خودی خود به کنش انقلابی منجر نمی‌شوند. این مدل فقط ظرفیت موجود درون گروهی را برای اقدام نشان می‌دهد و به انگیزه یا فرصت آنی موجود برای اقدام نمی‌پردازد. آن دسته از انگیزه‌ها و فرصت‌ها جایگاه خود را در نیمه دیگر مدل بسیج و در مدل جامعه سیاسی می‌یابند. تیلی از عناصر سازنده نیمه دوم مدل که شامل عناصر سرکوب-تسهیل، قدرت و فرصت-تهدید است، به عنوان عناصر برون گروهی موثر بر کنش جمعی نام می‌برد.

۲-۲-۱. سرکوب و تسهیل

سرکوب هرگونه کنشی توسط گروه دیگر است که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می‌دهد و کنشی که هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش دهد، شکلی از تسهیل است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۹-۱۵۰).

۲-۲-۲. قدرت

قدرت هر حزب عبارت است از میزان غلبه یافتن منافع آن حزب بر دیگر احزابی که با آن‌ها تعارض دارد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

۲-۲-۳. فرصت و تهدید

فرصت عبارت است از شرایطی که در آن منافع گروه مدعی قدرت مفروض در عین وجود منافع متعارض با آن تحقق می‌یابد. تهدید عبارت است از وجود شرایطی که در آن با بودن ادعاهای سایر گروه‌های رقیب، امکان تحقق منافع گروه مفروض کاهش می‌یابد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

توان گروه برای کنش جمعی بسته به میزان و مقدار منابعی است که بسیج کرده است. میزان کنش جمعی نیز تابعی است از منافع مشترک یعنی مزیت‌ها و زیان‌هایی که ممکن است از تعامل با دیگر گروه‌ها حاصل آید؛ شدت و قوت سازمان یعنی میزان هویت مشترک و ساختار وحدت بخش در میان اعضای گروه و بسیج منابع یعنی میزان منابعی که گروه در اختیار دارد.

تیلی انقلاب‌ها را ذیل عنوان خشونت جمعی بررسی می‌کند. او در کتاب قرن شورش‌ها، از سه نوع کنش جمعی اعتراضی در تاریخ جوامع اروپایی نام برده است.

الف) کنش جمعی اعتراضی رقابتی: این عمل زمانی صورت می‌گیرد که منابعی مورد ادعای یک گروه، هم‌زمان مورد

ادعای گروه‌های دیگر نیز قرار می‌گیرد.

ب) کنش جمعی اعتراضی واکنشی: این عمل در واکنش به اقداماتی صورت می‌گیرد که از نظر یک گروه به منزله پایمال

شدن حقوقشان در نظر گرفته می‌شود؛ مانند شورش‌های مالیاتی و شورش علیه گرانی نان.

ج) کنش جمعی اعتراضی نوحواهی: ادعاهایی از سوی یک گروه مطرح شود که قبلاً مطرح نبوده است؛ مانند مشروطه-خواهی.

۳. شناسایی مولفه منافع در قیام الهادی الی الحق

چارلز تیلی برای شناسایی منافع در بین جمعیت‌ها و گروه‌های مختلف در یک کنش جمعی دو گزینه را ذکر کرده است؛ اظهارات و کنش‌های خود جمعیت و تحلیل کلی از روابط میان منافع و موقعیت‌های اجتماعی (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۲). با این تقسیم‌بندی به بررسی و شناسایی مولفه‌های منافع قیام الهادی در یمن می‌پردازیم.

۱-۳. شناسایی منافع بر اساس اظهارات

الهادی الی الحق در بدو ورود خود به سرزمین یمن در سال ۲۸۴ق هدف اصلی خویش را برای مردم تبیین کرد. او هدف خود را از ایجاد یک جنبش علیه حکومت وقت و عاملان خلیفه در یمن، چیزی جز اصلاح امور مردم و برپایی دولت عدالت محور که مردم را بر یک زیست کریمانه و سعادت‌مندانه یاری کند نمی‌دید (علوی عباسی، بی‌تا: ۱۴۸).

وی در یکی از آثارش درباره حق مردم بر امام جامعه گفته است: «به حق هدایتشان کند، ایشان را از فسق نهی و به معروف امر کند، از ظلم و ستم پرهیزشان دهد، بر اساس حکم خداوند قضاوت کند، احکام الهی را در جامعه جاری کند، عدالت را برپا دارد، تعالیم دینی و فقهی را گسترش دهد» (الرسی، ۱۴۳۴ق: ۴۱۰). بر همین اساس، الهادی در دعوت خویش و اخذ بیعت از پیروانش چهار شرط مهم را قرار داد: حکم نمودن بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر، جان نثاری یاران در برابر پیشی دادن آنان در عطایا و پیشی گرفتن از آن‌ها در برابر دشمن، نصیحت ورزی و پند دادن در

نهان و آشکار، فرمانبرداری از وی در راستای فرامین الهی و ترک اطاعت از او در صورت مخالفت با احکام الهی (علوی عباسی، بی‌تا: ۱۴۷).

۲-۳. تحلیل کلی در شناسایی منافع

همان‌طور که در قسمت پیشین از اظهارات الهادی برآمد؛ مردم یمن در آستانه چهارمین سده هجری از مسائل مختلفی رنج می‌برده و به دنبال تأمین آن‌ها بودند. با توجه به وضعیت جامعه یمنی در آن هنگام می‌توان مسائل مهمی را که برای ایشان حیاتی به نظر می‌رسید، تبیین کرد.

۱-۲-۳. ناپایداری وضعیت حکمرانی در یمن

خلافت عباسی در قرن سوم با چالش‌های جدی روبرو شد که سبب تضعیف اقتدار مقام خلافت گردید و به همین جهت دامنه نفوذ فرامین ایشان به مناطق مرکزی تحت حکومتشان محدود گشت و سرزمین‌های دورتر از مقر خلافت به مشکل خلأ قدرت برخوردند. به همین دلیل دچار هرج و مرج در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شدند که ناشی از برآمدن حاکمان نیمه‌مستقل و ناپایدار در عرصه اجتماع ایشان بود. یمن نیز که یکی از نقاط دور به بغداد بود، درگیر این مشکل شد؛ به نحوی که شاهد تعدد والیان از جانب خلافت در یمن هستیم که در نتیجه آن حکومت‌های استقلال طلب توانستند بروز و ظهور پیدا کنند.^۱

۲-۲-۳. فقر و قحطی در یمن

در سرزمین یمن در قرون سوم و چهارم هجری گزارش‌هایی از تنگدستی مردم به دلیل بروز قحطی‌ها و خشکسالی دیده می‌شود که بیانگر وضع نامطلوب زندگی مردم آن منطقه بوده است.

۱. برای مطالعه بیشتر به مقاله «عوامل تاثیرگذار بر قدرت الهادی الی الحق (حک. ۲۸۴-۲۹۸) در یمن». فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، ش ۳۵ رجوع شود.

در سال ۲۶۲ق سیل سهمگینی در منطقه صنعا و روستاهای اطراف باعث ویرانی بسیار شد؛ از جمله خرابی بیش از شش هزار خانه از مردم آن نواحی و از میان رفتن اموال. این واقعه به سیل ثانی در زمان اسلام تعبیر شد (شیبانی، ۱۴۲۷ق: ۱۴۳). در گزارش‌ها آمده است «هنگامی که بنی فطیمه به سراغ ال‌هادی الی الحق رفتند که در میان ایشان فتنه بالا گرفته بود و منطقه ایشان دچار قحطی گشته بود؛ به گونه‌ای که زمین خشک خشک شده و هنگام زراعت محصول از بی‌آبی خشک و نابود شده بود. احشام نیز تلف می‌شدند» (علوی عباسی، بی‌تا: ۳۰۰).

۴. شناسایی سازمان قیام ال‌هادی الی الحق

اساس شکل‌گیری این حرکت با دعوت گروهی از قبیله بنی فطیمه از ال‌هادی الی الحق یحیی بن الحسین بن القاسم الرسی در سال ۲۸۰ق شروع شد که با پاسخ مثبت ال‌هادی همراه شد. او در آن سال به یمن هجرت نمود تا مردم آن دیار را رهبری نماید. با ورود ال‌هادی به منطقه شرفه در نزدیکی صنعا و پس از بیعت ابتدایی مردم یمن با او و قبول بر فرمانبری و اطاعت از اوامر و دستورات ال‌هادی، وی سستی و بی‌مواالاتی در دین را از مردم مشاهده نمود؛ به طوری که دستوراتش که مبتنی بر آموزه‌های شریعت بود مورد توجه مردم قرار نمی‌گرفت. بدین سان ال‌هادی از مردم یمن ناامید شد و به وطن خویش حجاز بازگشت.

مردم یمن پس از بازگشت ال‌هادی دچار بلا و فتنه‌هایی شدند که شیرازه زندگیشان را از هم پاشید؛ لذا از کرده خود پشیمان شده و دوباره سراغ ال‌هادی رفتند و از او برای بازگشت به یمن و قبول امامت آن‌ها خواهش کردند که مورد پذیرش ال‌هادی قرار گرفت. او در سال ۲۸۴ق به یمن کوچ کرد و در منطقه صعده جای گرفت و آنجا را مقرر حکمرانی خویش قرار داد (علوی عباسی، ۱۴۴۳ق: ۲۹۸-۳۰۰).

ال‌هادی پس از آنکه توانست مردم مناطق شمالی یمن یعنی دو ناحیه مهم صعده و نجران را با حرکت خویش همراه سازد، به نقاط مختلف یمن سفر می‌کرد و مردم آن مناطق را به جنبش خود دعوت می‌نمود. او در سال ۲۸۸ق با کمک ابوالعتاهیه از یاران با وفایش وارد صنعا گردید و در آنجا به نام خود خطبه خواند و مردم همگی با او بیعت نمودند و سکه‌ها به نام ال‌هادی ضرب گردید (شمیری، ۱۴۲۴ق: ۵۸).

۵. بسیج منابع در قیام ال‌هادی الی الحق

۱-۵. منابع اجبار آمیز

از بررسی گزارش‌های به دست آمده در زمان قیام ال‌هادی در اواخر قرن سوم هجری، نکات قابل توجهی از کیفیت و چگونگی سلاح‌ها و امکانات نظامی یافت نمی‌شود؛ اما مسئله حضور پر رنگ نیروها در سپاهیان ال‌هادی بیانگر توانایی وی در همراه ساختن بسیاری از مردم یمن با قیام خویش است. همچنین روایات دیگر به ملحق شدن پیروان ال‌هادی از نقاط مختلفی مانند حجاز و طبرستان حکایت دارد (علوی عباسی، ۱۴۴۳ق: ۳۹۶-۵۴۹). صاحب سیره ال‌هادی به خوبی این گزارش‌ها را نقل کرده است؛ در جریان لشکرکشی ال‌هادی به نجران در سال ۲۴۸ق از برخورداری ال‌هادی از سپاهی بسیار سخن رانده است و در سفر دومش در سال ۲۸۵ق از فزونی آن گزارش داده است.

۲-۵. منابع فایده‌مند

یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین اقدامات ال‌هادی در تأمین مایحتاج مردم و حل مشکلات اقتصادی در ابتدای قیام خویش در یمن، پیمان صلح با مسیحیان نجران و خراج گرفتن از ایشان است. وی در نخستین حرکت پس از همراه کردن مردم صعده به سوی منطقه مهم و پراهمیت نجران رفت و میان قبایل آن دیار که مدت‌ها بود با یکدیگر نزاع و درگیری داشتند صلح برقرار نمود. پس از آن بود که او به نکته مهمی رسید و آن ثروت هنگفت جمع‌آوری شده مسیحیان

نجران بود که با استفاده از آن توانسته بودند زمین‌های زراعتی و مسکونی بسیاری را از چنگ مسلمین در آورند. الهادی با مشاهده این اوضاع متوجه شد که اگر وضعیت بدین منوال پیش رود، قدرت اهل ذمه در برابر اسلام دو چندان خواهد شد. الهادی به همین دلایل به سراغ اهل ذمه رفت و با آنان قرارداد صلحی تنظیم نمود تا از این طریق بتواند مانع قدرت گیری روز افزون آن‌ها در بلاد اسلامی شود. بر اساس مفاد قرارداد صلح مقرر شد که اهل ذمه نجران یک نهم از درآمد سالیانه زمین‌های زراعی و باغاتی که به صورت دیمی کاشت می‌شوند را به مسلمانان بپردازند و یک هجدهم زمین‌هایی که به صورت آبیاری کشت می‌شوند را به اهل ایمان پرداخت کنند. بدین ترتیب مسئله قحطی و کمبود مواد غذایی در آن منطقه تا حد زیادی برطرف شد.

۳-۵. منابع هنجاری

از جلوه‌های مهم منابع هنجاری وفاداری افراد گروه به کنش جمعی آن گروه و آرمان‌های جمعیتشان است. در قیام الهادی نیز این مسئله به خوبی تبلور یافته است: جالب‌ترین آن وفاداری پیروان ایرانی الهادی الی الحق به قیام او در یمن است.

پیشینه‌آشنایی ایرانیان با الهادی الی الحق به سالیان قبل از جنبش وی در یمن باز می‌گردد. الهادی با توجه به پیش زمینه‌های مناسب قیام علویان در ایران به ویژه در طبرستان و وجود حکومت زیدی در آن منطقه، ابتدا به همراه پدر و عموهایش در سال ۲۷۱ق به آن دیار سفر کرد. با این حال، حاکم علوی وقت طبرستان آنان را خطری برای حکومت خویش دید و با تهدید، ایشان را وادار به خروج از شمال ایران کرد. حاصل این سفر در طبرستان به دست آوردن پیروانی است که در برپایی نهضت، او را یاری کردند.

پس از ورود الهادی به یمن و استقرار وی در سال ۲۸۴ق خبر به دوستان و پیروان او در مناطق شمالی ایران رسید و

باعث حرکت گروهی از ایشان جهت همراهی الهادی در جنبش شد. نخستین گزارش از ورود مردم طبرستان در سال ۲۸۶ق یعنی دو سال پس از آغاز جنبش الهادی نقل شده است. صاحب سیره الهادی اذعان کرده است: «پس از مراسم حج در سال ۲۸۶ق عده‌ای از طبریان به همراه برخی دیگر از علویان حجاز به یمن مهاجرت می‌کنند» (علوی عباسی، ۱۴۴۳ق: ۳۹۷).

به نظر می‌رسد وفاداری ایرانیان طبرستانی به الهادی در بالاترین میزان بوده است؛ زیرا ایشان با ایمان کامل و عقیده راسخ به قیام الهادی پیوسته و از خانه و کاشانه خویش دل کنده بودند. کسی که حاضر است به خاطر حضور در کنار رهبر معنوی کیلومترها سفر کند و جان خویش را به خطر اندازد، مسلماً دارای محکم‌ترین و با اخلاص‌ترین عقاید به این حرکت است. به همین دلیل در مهم‌ترین و خطرناک‌ترین موقعیت‌ها الهادی از این گروه بهره برد.

یکی از عرصه‌های حساس در قیام الهادی، رویارویی وی با بنوحارث از منطقه نجران است که به دفعات دست به آشوب و ایجاد ناامنی می‌زدند. در سال ۲۸۶ق این قوم برای الهادی دردسر تازه‌ای ایجاد کرد. الهادی پس از دریافت خبر خیانت بنوحارث از ابو محمد علوی عاملش بر نجران ابیاتی را بر زبان جاری ساخت که در جایی به شهادت و دلاوری مهاجران ایرانی اشاره کرده است و ایشان را با القابی مانند شیر شرز و دلاور مردانی که در راه حق، شمشیر از نیام کشیده‌اند تمثیل کرده است. او در حلقه نزدیک‌ترین یاران خویش مردم طبرستان را جای داده و برای هر امر خطیر از آنان استمداد کرد؛ زیرا که به ایمان و اعتقاد راسخ مهاجران ایرانی اعتماد کامل داشت. در نقل صاحب سیره آمده است که الهادی در جریان مقابله با خیانت بنوحارث در سال ۲۸۶ق، توسط نوزده نفر از مردم طبرستان که کاملاً مسلح بودند محافظت می‌شد (علوی عباسی، ۱۴۴۳ق: ۴۷۱).

۶. انواع بسیج در قیام الی‌الهدی الی‌الحق

۱-۶. بسیج تهاجمی

قیام الی‌الهدی در یمن از ابتدای راه خود در سال ۲۸۴ق تا برآمدن فرقه اسماعیلیه و قرامطه در سال ۲۹۰ق را می‌توان حرکتی رو به جلو و پیشرو در سرزمین یمن تلقی کرد. بنابراین گونه بسیج این قیام در این سالیان تهاجمی به حساب می‌آید.

۱-۶-۱. گسترش قلمرو سیاسی

الهادی توانست با یاری مردم بنی‌خولان، صعده و همراهی برخی از یاران حجازی در مدت زمان کوتاهی بر مناطق شمالی یمن سبطه بابد و اوضاع آن دیار را تحت کنترل خویش درآورد. در این میان می‌توان به سفرش به نجران در جمادی الاخری سال ۲۸۴ق اشاره کرد که موفق شد صلح را در میان قبایل این منطقه جاری سازد. او از این فرصت استفاده کرد و با بیعت‌گیری از مردم آن ناحیه حکومت خویش را تحکیم بخشید (المطاع، ۱۴۰۷ق: ۸۰). الهادی در ادامه با گسترش پیام دعوت و تبلیغ توسط پیروانش، توانست نظر مثبت رجال حکومتی مانند الدعام و ابوالعتاهیه را به خود جلب نماید و از این طریق به صنعا مرکز یمن برسد و آن را بدون نبرد تصرف کند (ابن‌الحسین، ۱۳۸۸ق: ۱۸۰-۱۷۶).

۱-۶-۲. تبلیغات گسترده مذهبی

سرزمین یمن که از صدر اسلام جزء مناطق علوی دوست با گرایش شیعی به حساب می‌آمد، فرصت خوبی را برای الهادی فراهم آورد تا مکتب فقهی خویش را در جای جای این نواحی تبلیغ و تبیین کند. الهادی با اقتداری که در عرصه سیاست به دست آورد، توانست جایگاه مهم دینی را کسب کند و به عنوان مرجع دینی فتوا دهد.

۲-۶. بسیج تدافعی

قیام زیدیان هادوی در یمن با قدرت‌گیری قرامطیان در آخرین دهه سده سوم هجری با چالش خطرناکی روبرو شد که ماهیت و موجودیت قیام را تهدید می‌کرد. در پی این چالش بیشتر کنش‌های جمعی قیام، منعطف بر پاسخ به این چالش بود و بدین ترتیب گونه بسیج منابع برای این نوع کنش نیز بسیج تدافعی تلقی می‌شد.

مقابله با تحرکات علی بن فضل و منصر الیمن را می‌توان مهم‌ترین اقدام الهادی در این سالیان دانست. با ظهور جریان اسماعیلی و قدرت گرفتن سریع آن‌ها در دو جناح و حملات پیاپی آن‌ها به اقصی نقاط یمن، الهادی تمرکز خود را بر حفظ سرزمین‌های تحت کنترل خویش در شمال یمن قرار داد و پس از دفع برخی شورش‌ها با هم‌پیمان شدن با نیروهای اهل سنت و طرفدار خلافت بغداد مثل آل یعفر و آل طریف به مقابله با قرامطه پرداخت و در بازپس‌گیری شهر صنعا از علی بن فضل در سال ۲۹۴ق مشارکت فعال داشت. بنا به همین دلیل، الهادی فرزندش المرتضی را با سپاهی راهی صنعا نمود (خزرجی، ۱۴۰۱ق: ۴۱).

پس از بازستاندن صنعا از ابن فضل و یارانش، المرتضی مورد مکر طرفداران خلافت عباسی قرار گرفت. بنابراین او مجبور شد از صنعا خارج شده و به صعده بازگردد. با یورش علی بن فضل در سال ۲۹۴ق و فتح صنعا مجدداً از الهادی برای حمله به صنعا درخواست کمک شد. الهادی طبق وظیفه و به رغم ضربه خوردن از آل یعفر و طریف به کمک آنان شتافت؛ اما در این برهه دست برتری با ابن فضل بود و الهادی بعد از متوقف شدن در برابر لشکر ابن فضل به صعده بازگشت و تا پایان عمر خویش به رتق وفتق امور مناطق تحت سیطره خود پرداخت (یمانی، ۱۹۶۵م: ۶۵).

۷. عناصر برون‌گروهی در قیام الی‌الهدی الی‌الحق

همان‌طور که در بخش چارچوب نظری بیان شد، تیلی سه عنصر را برای عناصر برون‌گروهی موثر بر کنش جمعی یک

سازمان مطرح می‌کند؛ سرکوب- تسهیل، قدرت و فرصت-
تهدید.

۷-۱. عنصر تسهیل قیام الهادی الی الحق

از مواردی که می‌توان در زمره تسهیل قیام و کنش جمعی پیروان الهادی قلمداد کرد؛ پیوستن دو شخصیت بزرگ و صاحب نفوذ یمنی به الهادی بود. الدعام بن ابراهیم و ابوالعتاهیه از افراد پر نفوذ حکومتی یمن بودند که در مقطعی به قیام الهادی ملحق شدند و زمینه اقتدار بیشتر الهادی را با تصرف صنعا فراهم نمودند.

از ابوالعتاهیه عبدالله بن بشر مدحجی اطلاعات تاریخی چندانی در دسترس نیست؛ ولی آنچه از گزارش‌ها بر می‌آید آن است که وی از رجال با نفوذ صنعا بوده است. او در میان رجال حکومتی نفوذ گسترده‌ای داشته است. ابوالعتاهیه مایل به اندیشه‌های شیعی بوده و پس از قیام الهادی و موفقیت وی از او درخواست می‌کند تا به صنعا رفته و او شهر را در اختیارش بگذارد. طبق این گزارش، ابوالعتاهیه با ترفندی حاکم وقت صنعا را که از آل یعفر و آل طریف بوده فریب داد و الهادی را به داخل شهر رساند تا کنترل شهر را به دست بگیرد (شیبانی، ۱۴۲۷: ۱۵۲).

۷-۲. عنصر قدرت در قیام الهادی

الهادی پس از تثبیت موقعیت خویش در صعده و متحد نمودن مردم آن دیار، حرکت اصلاحی خود را برای اتحاد میان دیگر قبایل یمنی و مردم آن سامان آغاز کرد و به مناطق مختلف یمن از جمله نجران، هجر، خیوان، یرط، صنعا، الحائر، ریده، ضاة، وسمه، اثافت، شبام و مدر سفر نمود.

یکی از مناطقی که تنش و درگیری میان قبایل و مردمش بالا گرفته بود، منطقه نجران در شمالی‌ترین نقطه یمن بود که الهادی با یاری مردم خولان و یاران علوی‌اش موفق شد میان قبیله بنی حارث و قبایل وادعة و شاکر و یام صلح را برقرار کند (ابن‌الحسین، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

در محرم سال ۲۸۸ق الهادی به صنعا رفت و با کمک ابوالعتاهیه و دوستش عبدالله بن ابی‌العباد توانست دو خاندان پر نفوذ آل یعفر و آل طریف را که سالیانی از طرف خلافت عباسی بر صنعا حکومت می‌کردند، شکست دهد و بزرگان آنان را زندانی کند. در آنجا بود که الهادی دعوت به خویشان کرد و خود را خلیفه خواند و خطبه به نام خود خواند. با تسلط الهادی بر صنعا بسیاری از مناطق یمن تحت حکمرانی او درآمد.

۷-۳. عنصر فرصت در قیام الهادی

مسلماً در ابتدای راه قیام الهادی دو فرصت طلایی وجود داشت که وی با بهره‌گیری از قوه مدیریتی و رهبری‌اش توانست از آن‌ها به خوبی در راستای پیشبرد قیام استفاده نماید.

۷-۳-۱. خلأ قدرت در نهاد حاکمیت در یمن

همان‌طور که گفته شد، با تضعیف اقتدار بنی‌عباس، سرزمین یمن که از لحاظ جغرافیایی در جنوبی‌ترین سرزمین‌های اسلامی نسبت به بغداد قرار داشت، عاملان مقتدری از جانب خلفای عباسی را به چشم ندید. البته برخی مقاطع خلیفه افراد با کفایتی مانند ایتاخ ترکی را به حکومت یمن منصوب می‌کرد، اما این افراد که دل در گرو مرکز قدرت و بازی‌های سیاسی آن داشتند، هیچ‌گاه در یمن باقی نمی‌ماندند و نایبی برای خویش بر می‌گزیدند. بدین ترتیب افرادی پر نفوذ و قدرت طلب در یمن ادعای حکومت می‌کردند و درگیری این گروه‌ها سبب ناامنی و هرج‌ومرج می‌شد. امری که مردم عادی را به شدت خسته و رنجور کرده بود. در این هنگام الهادی با دعوت گروهی از شیعیان یمنی توانست در یمن قیام خویش را علنی کند و در خلال ۱۵ سال به مرحله تثبیت قدرت برساند.

۷-۱-۲. فقر و قحطی

همه مردم و طرفدارانش ترسیم کرد و بنابر گفته خودش، قیام برای خدا و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در راه خدا بوده است. بنابراین بن مایه جنبش شکل گرفته توسط الهادی در یمن، احیای مذهب و هویت بخشی به مردم آن سامان از طریق دین‌داری و پرهیز از محرمات است تا جامعه به سوی تشکیل مدینه فاضله گام بردارد (ابن‌الحسین، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

الهادی در مواجهه با اندیشه‌های منحرفین نیز فعال بود و سعی در ترویج اندیشه صحیح خود و هدایت مردم به آئین اسلامی مطابق با آرای اهل بیت پیامبر (ص) داشت. یکی از جلوه‌های این مقابله در صنعا رخ داد. صنعا که بزرگ‌ترین شهر یمن محسوب می‌شد و مرکز فرماندهی عاملان اموی و عباسی بود، تبدیل به پایگاه مهمی برای ترویج آرا و اندیشه‌های خلافت اموی و عباسی در یمن شد. از جمله آرای رسوخ نموده در این پایگاه، اندیشه جبری بود که تعارض واضحی با اندیشه‌های الهادی داشت. الهادی هنگامی که در سال ۲۸۸ق وارد صنعا شد، بعد از سروسامان دادن به امور حکومتی فرصت را مغتنم شمرد و با دعوت از بزرگان و علما و نجبگان صنعا با آن‌ها وارد مناظره شد و توانست ایشان را شکست دهد و همه آنان را به مذهب خویش درآورد (المطاع، ۱۴۰۷ق: ۹۷).

۸-۲. کنش جمعی واکنشی

تقابل الهادی و یارانش در برابر شورش‌ها و حملات دشمنان، مصادیق بارز این نوع کنش جمعی هستند. به عنوان مثال، یکی از تقابلهای الهادی با شورشیان، نزاع با دعام بن ابراهیم است. در سال ۲۸۵ق زمانی که قدرت الهادی رو به فزونی رفت و قبایل یمنی رهبری او را پذیرفتند، دعام بن ابراهیم از سران و حاکمان یمن، الهادی را دعوت نمود تا به دیارش برود تا بدین طریق امامت وی را بپذیرد، به شرط آنکه ولایت مناطقی را که در آن زندگی می‌کند به او بسپارد، اما الهادی پیشنهادش را نپذیرفت. از طرفی شکایتی از اهالی

به گزارش مورخان، فقر و تنگدستی مردم به همراه قحطی پیش آمده در آن سالیان دست در دست هم داده بود تا سخت‌ترین شرایط را برای ایشان مهیا کند (علوی عباسی، بی‌تا: ۴۱). الهادی با درک صحیح این مسئله در ابتدای قیام خویش هم خود را بر مدیریت مشکلات اقتصادی و چاره‌جویی برای زدودن فقر مردم نهاد. او توانست با استفاده از ظرفیت منطقه نجران که به نسبت سایر مناطق یمن شمالی وضعیت بهتری داشت و صلح‌نامه‌ای که با مسیحیان آن دیار منعقد کرد، غنای آن را به دست آورده و زندگی مردم یمن را سامان دهد (ابن‌الحسین، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

۸. شکل‌های کنش جمعی در قیام الهادی

سپهر سیاسی یمن در آخرین سالیان قرن سوم هجری متشکل از سه گروه قدرتمند بود؛ الهادی الی الحق زیدی که توانسته بود مناطق شمالی یمن را زیر ولایت خویش قرار دهد. داعیان اسماعیلی که سعی داشتند نفوذ خود را بر مناطق یمن بیشتر و بیشتر کنند و حکومت آل زیاد در زبید که مناطق جنوبی و غربی یمن را اداره می‌کردند و هنوز نمایندگی خلافت عباسی را بر عهده داشتند. شهرهای مرکزی یمن مانند صنعا و شبام نیز در میان این سه گروه دست به دست می‌چرخید. اما دو گروه زیدیان و اسماعیلیان که قرابت اندیشه داشتند و در زمره گروه‌های شیعی و علوی تعریف می‌شدند، رقابتی حساس و نفس‌گیر را در یمن به وجود آوردند. برای همین کنش‌های جمعی قیام الهادی بیشتر ناظر به این رقیب سر سخت بوده است.

۸-۱. کنش جمعی رقابتی

می‌توان کنش‌های جمعی زیدیان را در راستای تبلیغات مذهبی و دعوت به سوی الهادی در راستای تقابل با تحریکات اسماعیلی مذهب مانند منصور الیمن داعی‌الدعات اسماعیلی قرار داد. نمونه‌هایی از این دست را بر می‌شمیریم. الهادی الی الحق از ابتدا هدف اصلی حرکت خویش را برای

به طور کلی قیام الهادی و یارانش را می‌توان به مثابه یک سازمان ملاحظه کرد که بر اساس بسیج منابع موجود از قبیل سرمایه اندیشه مستحکم و مردمی که به این عقیده استوار ماندند، از فرصت‌هایی که خلأ قدرت سیاسی در یمن به وجود آورده بود استفاده کردند و توانستند کنش‌های جمعی را در راستای رسیدن به آرمان‌های خویش بردارند.

قیام الهادی در مسیر رسیدن به اهدافش از منابع گوناگونی بهره برد؛ منابع اجبار آمیزی مانند پیروان و نیروهای نظامی با اراده و مومن به آرمان‌های قیام، منابع سودمندی مثل کسب ثروت و تأمین مالی زیردستانش در ابتدای قیام با توافق‌نامه صلح مسیحیان منطقه نجران، منابع هنجاری که مهم‌ترین مثال آن وفاداری نیروهای تحت فرمان الهادی بود؛ به ویژه یاران ایرانی که با سفر به یمن حضور پررنگی در عرصه‌های مختلف کنش‌گری در قیام الهادی داشتند.

بر اساس گونه‌شناسی بسیج منابع که تیلی ارائه کرد می‌توان قیام الهادی را دارای دو گونه از بسیج دانست؛ بسیج تهاجمی و تدافعی. زیرا آنچه از گزارش‌های تاریخی برآمد نشانگر استفاده از منابع در ابتدای قیام برای تهاجم و پیشبرد اهداف قیام بوده است و در ادامه و با قدرت‌گیری رقیب اسماعیلی مذهب و برتری وی در بعضی عرصه‌ها، الهادی ناچار به بهره‌گیری از گونه بسیج تدافعی شد تا از دستاورد های قیامش در مقابل هجوم دشمن محافظت نماید. الهادی و یارانش با توجه به عناصر بیرون از قیام خود، فرصت‌هایی مانند خلأ قدرت در یمن و فقر و احتیاج مردم را غنیمت شمرده و بهترین اقدامات را انجام دادند. همچنین با کسب قدرت در عرصه سیاسی و اجتماعی و استفاده از بزرگانی مانند ابوالعتاهیه که امر پیشبرد قیام را برای وی ساده می‌کردند به عنوان عنصر تسهیل‌کننده قیام، دست به کنش‌های جمعی رقابتی و واکنشی زدند. این کنش‌های جمعی نیز در

بیت زود به الهادی رسید که پیروان دعام، اعمال قبیحه انجام می‌دهند و شرب خمر می‌کنند و اینکه برخی از یارانش دختری باکره را گرفته و به او تجاوز کرده و پدرش را نیز به قتل رسانده‌اند؛ تا جایی که دعام این اعمال را مورد نکوهش قرار نداده است. به همین دلیل، الهادی به سوی دعام حرکت کرد تا او را تأدیب کند. آنان در منطقه نجد الظبر به یکدیگر رسیدند. با درگیری مختصری که دو کشته برجای گذاشت دعام مجبور به تسلیم شد. پس از چندی متارکه، فرزند دعام به اثافت هجوم برد و آنجا را غارت کرد. بنابراین الهادی با لشکرش به سوی دعام رفت و در منطقه‌ای نزدیک اثافت با دعام درگیر شد. جنگ سختی در گرفت، اما نتیجه‌ای برای هیچ یک از طرفین نداشت و دو لشکر از هم جدا شدند. در سال ۲۸۶ق ابوالعتاهیه به اطاعت الهادی درآمد. این رخداد برای دعام گران تمام شد و او نیز تسلیم الهادی شد (ابن الحسین، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۷۵).

شورش‌های بنی حارث در منطقه شمالی نجران از دیگر مسائلی بود که الهادی در دوران حکومتش با آن دست و پنجه نرم کرد. قبیله بنی حارث نجران از جمله قبایلی بود که تحت تأثیر داعیان اسماعیلی به دنبال فساد و ایجاد ناامنی در بلاد یمن تحت سلطه الهادی بود. قوم بنی حارث در سال های متمادی علیه حکومت الهادی به رهبری ابن بسطام و ابن حمید دست به شورش زد. یکی از مهم‌ترین تحرکات آن به رهبری ابن بسطام صورت پذیرفت که الهادی به خوبی توانست آن را مدیریت کند و شورش را سرکوب نماید (ابن الحسین، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

۹. نتیجه‌گیری

با نگاهی به فعالیت‌های الهادی الی الحق و یارانش در یمن در سالیان ۲۸۴ تا ۲۹۸ق می‌توان تحلیلی با استناد به نظریه بسیج ارائه داد.

مواجهه با رقیبان الهادی یعنی منصور الیمن و علی بن فضل اسماعیلی تحلیل می شود.

کتابنامه

- ابن الحسین بن القاسم، یحیی، **غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی**. قاهره: دارالکاتب العربی للطباعة و النشر، ۱۳۸۸.
- پناهی، محمد حسین، **نظریه های انقلاب: وقوع، فرآیند، پیامدها**، تهران: سمت، ۱۳۸۹.
- تیلور، استن، **انقلاب ها و علوم اجتماعی**، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۸۸.
- تیلی، چارلز، **از بسیج تا انقلاب**، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
- خزرچی انصاری، علی، **العسجد المسبوك فیمن ولی الیمن من الملوك**، صنعا: وزارة الاعلام و الثقافة- دار الکتب، چاپ دوم، ۱۴۰۱.
- الرسی، یحیی بن الحسین، **الاحکام فی الحلال و الحرام**، صنعا: مکتبه بدر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ دوم، ۱۴۳۴ق.
- الشمیری، فواد، **تاریخ الیمن سیاسیا و اعلامیا من خلال النقود العربیة الاسلامیة للفترة ما بین القرنین الثالث و التاسع من الهجرین (۱۵-۹م)**، صنعا: اصدارات وزارة الثقافة و السیاحة، ۱۴۲۵ق.
- شیبانی، علی، **الیمن مکانتها فی القرآن و السنة**، صنعا: مکتبه خالد بن ولید، ۱۴۲۴ق.
- شیبانی زبیدی، عبدالرحمن، **قره العیون باخبار الیمن المیمون**، صنعا: مکتبه الارشاد، ۱۴۲۷ق.
- طبری صنعانی، احمد، **تاریخ صنعا**، صنعا: مکتبه السنحانی، بی تا.
- علوی عباسی، علی، **سیره الهادی الی الحق یحیی بن الحسین**، بی جا: بی نا، بی تا.
- علوی عباسی، علی، **سیره الامام الهادی الی الحق یحیی بن الحسین بن القاسم بن ابراهیم**، صنعا: مرکز شهارة للدراسات و البحوث، ۱۴۴۳ق.
- المطاع، احمد، **تاریخ الیمن الاسلامی من سنة ۲۰۴ ق الی سنة ۱۰۰۶**، بیروت: دارالتنویر للطباعة و النشر، ۱۴۰۷ق.
- الیمانی، عبدالباقی، **بهجة الزمن فی تاریخ الیمن**، ریاض: دارالصمیعی، ۱۴۳۳ق.